

1. نقش «كَمَا آمَنَ النَّاسُ» در آیه (وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنْتُمُ الْسُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ) چیست

الف) در جایگاه نصب، مفعول به

ب) در جایگاه نصب، مفعول مطلق

ج) در جایگاه نصب، مفعول فیه

د) در جایگاه نصب، مفعول له

قسمت اول تمام گزینه ها یکسان است یعنی اعراب این جمله محلی است و بحثی در آن نیست اما قسمت دوم از آنجا که به نوع ایمان اشاره کرده است پس مفعول مطلقه.

2. ساختار آموزشی و صنعت ادبی در آیه (صُمُّ بَكْمَ عُمَىٰ فَهْمٌ لَا يَرْجِعُونَ) به ترتیب کدام گزینه است؟

الف) «هَمْ صُمُّ بَكْمَ عُمَىٰ»، تشبیه

ب) ساختار آموزشی ندارد، تشبیه

ج) «هَمْ صُمُّ بَكْمَ عُمَىٰ»، استعاره مصرحه

د) ساختار آموزشی ندارد، استعاره مصرحه

برای قسمت اول گزینه هر دو گزینه الف و ج درست است اما قسمت دوم استعاره مصرحه است چون لفظ مستعار مشبه به می باشد.

3. فایده کاربرد جمله اسمیه در آیه (ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ) کدام گزینه است؟

الف) تخصیص خبر برای ثبوت آمده است

ب) ثبوت خبر برای مبتدا به صورت توضیح

ج) فایده استمرار خبر است

د) کاربرد فرعی و استمرار توأم بادوام است

ذَلِكَ مبتدا یا همان مسند الیه است و کتاب عطف بیان آن می باشد هدی خبر یا مسند است و چون خبر در مورد این کتاب توضیح داده یعنی کتاب خود هدایت است پس ثبوت آن را می رساند و گزینه ب درست است.

4. کاربرد «الْيَوْمَ» در آیه (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي) به منظور است.

الف) توضیح و علت

ب) توضیح

ج) متمم

د) تکمیل آیه

می دانیم که کاربرد عام ظرف برای توضیح می باشد اما گاهی علاوه بر این معنا برای توضیح علت هم می آید در اینجا الیوم علاوه بر توضیح علت اكمال دین را هم بیان می کند یعنی جواب اینکه چرا دین کامل شد را هم در مفعول فیه که الیوم می باشد می توان یافت.



5. قید «تَعَفُّها وَ تَعَتَّها» در حدیث «سَلَّ تَعَفُّها وَلَا تَسْأَلُ تَعَتَّها»، به منظور ... است

(الف) مفعول معه

(ب) متمم

(ج) مفعول

(د) توضیح نسبت کلامی

چون علت وقوع عامل را باز گو کرده است مفعول له می باشد که یک نوع توضیح که بین عامل و معمول است پس گزینه د درست است.

6. نقش «الحَقِيقَةُ» در حدیث «ما لَكَ وَالْحَقِيقَةُ» کدام گزینه است؟

(الف) مفعول له

(ب) مفعول مطلق

(ج) مفعول فیه

(د) مفعول معه

این جمله در حقیقت اینچنین بوده: ما تكون لك و الحقیقه که ما: مبتدا- لك: خبر- چون واو به معنای مع است پس الحقیقه مفعول معه می شود

7. نقش کلمه «المَزْمَلُ» و علت آن در آیه (يا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ) کدام است؟

(الف) صفت، به دلیل مشتق بودن

(ب) صفت، به دلیل ندا

(ج) صفت، به دلیل عمل کردن اسم مفعول

(د) صفت، به دلیل ای

روی قسمت اول بحثی نیست یعنی مزمل صفت است و چون اسم فاعل است و از فعل یزمل گرفته شده است پس مشتق می باشد.

8. جمله بدل و غرض آن در آیه (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ * تَوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ) کدام است؟

(الف) جمله تومنون، غرض مدح

(ب) دو جمله تومنون و تجاهدون، غرض تاکید

(ج) دو جمله تومنون و تجاهدون، و غرض ایضاح

(د) دو جمله تومنون و تجاهدون، غرض مدح

تجارت مبدل منه می باشد حال مشاهده می شود جملاتی که می تواند به جای تجارت بنشیند و همان مفهوم را ارائه کند ایمان به خدا و جهاد در راه اوست پس دو جمله تومنون و تجاهدون بدل است و می دانیم که بدل جهت توضیح مبدل منه می آید که در نتیجه غرض آن را ایضاح می گیریم.



9. نقش و نوع لفظ «ما» در آیه (وَأَتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا) به ترتیب ... و ... است.

الف) اسم موصول مفعول به_ما نافیة مجرور به باء

ب) اسم موصول مفعول به_ما ظرفیه مجرور به باء

ج) اسم موصول مفعول به_ما موصول مجرور به باء

د) اسم موصول مفعول به_ما کافه مجرور به باء

ما در قسمت اول چون بعد از فعل اتبع آمده که نیاز به مفعول دارد مفعول به است اما در قسمت دوم از روی مهنای آن می توان تشخیص داد که مای موصول است چون آمده همانا خداوند به آنچه که عمل می کنید آگاه است و پس از حرف جر با آمده ، در نتیجه مجرور به باء می شود.

10. تقدیم مفعول به در آیات زیر به ترتیب کدامیک امر لفظی و کدامیک امر معنوی است؟

1- (إِيَّاكَ تَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) 2- (وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ)

الف) امر معنوی اهمیت، امر لفظی تا جار و مجرور در جایگاه نصب

ب) امر معنوی حصر، امر لفظی به دلیل ارجاع ضمیر

ج) امر معنوی تبرک، امر لفظی به دلیل ارجاع ضمیر

د) امر معنوی حصر، امر لفظی تا جار و مجرور در جایگاه نصب

ایاک معنای حصر دارد یعنی فقط تو را اما از آنجا که دلیلی در ظاهر برای تقدم آن وجود ندارد امر معنوی می باشد اما در قسمت دوم چون ضمیر ه به ابراهیم بر می گردد نمی تواند بر ابراهیم که مفعول است مقدم شود و چون لفظ ظاهری وجود دارد پس امر لفظی به دلیل ارجاع ضمیر می باشد.

11. «أَنْ قَالُوا» در آیه (ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ) ... است.

الف) کلمه مؤول در جایگاه نصب و مفعول به

ب) کلمه مؤول در جایگاه نصب، مفعول مطلق

ج) کلمه مؤول در جایگاه نصب، خبر تکی

د) کلمه مؤول در جایگاه نصب، مفعول فیه

در قسمت اول بین تمام گزینه ها مشترک است که در جایگاه نصب می باشد اما قسمت دوم از آنجا که کان از افعال ناقصه می باشد پس اسم و خبر دارد نه عافل و مفعول و از آنجا که فتنه اسم کان است پس ان قالوا خبر ان می باشد.

12. آیه (وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَىٰ) چند جمله و ساختار دارد؟

الف) دو جمله فعلیه، هر دو ساختار فرعی

ب) دو جمله و هر دو ساختار اصلی

ج) دو جمله یکی ساختار اصلی و دیگری ساختار فرعی

د) دو جمله یکی ساختار آموزشی و دیگری ساختار فرعی



این آیه از دو جمله فعلیه تشکیل شده است. جمله اول و اللیل که فعل اقسام در آن مستتر است پس ساختار آن فرعی است و جمله دوم اذا یغشی که آن هم ساختار فرعی دارد زیرا مفعول قیه یا ظرف بر فعل و فاعل مقدم شده است. در نتیجه گزینه الف درست است.

13. نوع استثناء و نقش «ابْتِغَاء» در آیه (إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى) چیست؟

الف) استثنا مفرغ، مفعول به

ب) استثنا مفرغ، مستثنی و مفعول به

ج) استثنا مفرغ، مستثنی

د) استثنا مفرغ، مفعول له

استثنا مفرغ است زیرا مستثنی منه در کلام ذکر نشده است. ابْتِغَاء مفعول له و مضاف می باشد زیرا 1- مصدر 2- به صورت مضاف آمده 3- علت وقوع عامل را بیان کرده

14. حالت‌های فاعل در آیات (قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ) و (إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ) به ترتیب و است.

الف) «أَنْ تَذْهَبُوا» اسم مؤول و اسم ظاهر

ب) «أَنْ تَذْهَبُوا» اسم مؤول و ضمیر پنهان

ج) «أَنْ تَذْهَبُوا» اسم مؤول و اسم صریح

د) «أَنْ تَذْهَبُوا» اسم مؤول و ضمیر بارز

یحزننی: فعل و ضمیر ی مفعول آن می باشد آن تذهبوا محلاً مرفوع فاعل یحزن است یحکم: فعل و ضمیر مستتر هو فاعل آن می باشد.

15. إِنَّ در آیه شریفه (إِنَّ هَذَانِ لَسَاحِرَانِ) عامل است یا غیر عامل؟ چرا؟

الف) إِنَّ عامل نیست زیرا شبیه به فعل است.

ب) إِنَّ عامل نیست زیرا اهمیت را می‌رساند.

ج) إِنَّ عامل نیست زیرا قصد هر دو جنبه شده است.

د) إِنَّ عامل نیست زیرا قصد تاکید است.



ان عامل نیست و برای تاکید حرف آمده است که یکی از کاربردهای ان می باشد. گزینه الف نمی تواند درست باشد زیرا اگر شبیه فعل بود باید عامل می شد گزینه ج هم نمی تواند درست باشد چون نمی شود قصد هر دو جنبه را کرد.

16. دلیل تعدیه فعل بَشِّر و مفعول آن را در آیه (وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ) بازگو کنید.

الف) باب تفعیل و مفعول آن «الَّذِينَ» است.

ب) باب تفعیل و مفعول آن «أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ» است.

ج) باب تفعیل و دو مفعول آن «الَّذِينَ» ، «أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ» است.

د) باب افعال و مفعول آن «الَّذِينَ» است.

بشر در باب تفعیل به کار رفته است: بشر – بيشر – تبشیر

و بشر در این باب از افعال دو مفعولی می تواند باشد. یکی اسم موصول الذین و دیگری ان لهم قدم.... محلا منصوب در جایگاه نصب مفعول دوم بشر می باشد.

17. کان در آیه (وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا) بر دلالت دارد.

الف) بر مطلق زمان

ب) بر ماضی نقلی

ج) بر ماضی استمراری

د) بر ماضی نقلی

گزینه الف درست است زیرا از نکات بلاغی کان ثبوت خبر برای مبتدا می باشد که در این ایه تثبیت علم و حکمت برای خدا توسط کان صورت گرفته است و کار دیگر این افعال در برخی موارد وجود قرینه مطلق زمان است و انرا مقد به زمان خاصی نمی کند.

18. ساختار آموزشی و بلاغی در آیه (لَا تَحِينَ مَنَاصٍ) به ترتیب کدام گزینه است؟

الف) آموزشی: لَا تَحِينَ حِينَ مَنَاصٍ، بلاغی: حذف «الْحِينَ» دلیل بر تصرف عقلی در معنی کلام است.

ب) آموزشی: لَا تَحِينَ حِينَ مَنَاصٍ، بلاغی: حذف «الْحِينَ» به دلیل تقدم است.

ج) آموزشی: لَا تَحِينَ حِينَ مَنَاصٍ، بلاغی: حذف «الْحِينَ» جایز از نوع خبر است.

د) آموزشی: لَا تَحِينَ حِينَ مَنَاصٍ، بلاغی: حذف «الْحِينَ» برای تثبیت خبر است.



لات از حروف شبیه به لیس می باشد . این کاربرد بر خلاف اصل است زیرا اسم ان الحین بوده است که به دلیل مبالغه حذف شده زیرا حذف اجزاء سخن دلیل بر تصرف عقلی در معنی استیعنی می خواسته بگوید در این زمان به هیچ وجه وقت فرار نیست.

19. نوع «کَمَ» و نقش آن در آیه (کَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ قَنَادُوا) چیست؟

الف) کم خبریه و نقش آن مبتدا

ب) کم استفهامیه و مفعول به أَهْلَكْنَا

ج) کم خبریه و مفعول به قَنَادُوا

د) کم خبریه و مفعول به أَهْلَكْنَا

از معنای جمله می فهمیم که جمله حالت پرسشی ندارد پس کم خبری است و در مورد نقش آن باید گفت اهلکنا فعل و ضمیر بارز نا فاعل آن می باشد اما در جواب اینکه چه چیزی را هلاک کردیم ما کم است پس مفعول اهلکنا می باشد.

20. نقش «أَیْنَ» در آیه (وَجَعَلْنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا) چیست؟

الف) مفعول فیه در جایگاه نصب است.

ب) مفعول فیه در جایگاه نصب خبر مقدم کُنْتُ است.

ج) در جایگاه نصب مفعول له است.

د) در جایگاه نصب و مفعول به است.

این به معنای کجا ظرف مکان است پس مفعول فیه می باشد از طرفی کنت از افعال ناقصه است که رافع اسمند و ناصب در خبر. ضمیر ت اسم کان و این چون مبنی است پس محلا منصوب است و خبر کنت.

21. کاربرد و معنی إِنْ در آیه (وَإِذْ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوُّوا إِلَى الْكَهْفِ) چیست؟

الف) اصلی به معنای تاکید

ب) اصلی به معنای غیر

ج) فرعی به معنای غیر

د) فرعی به معنای تاکید

حصر به الا به 2 دسته تقسیم می شود 1- کاربرد اصلی 2- کاربرد فرعی که کاربرد فرعی گاهی بدون نفی است و گاهی به معنای غیر می باشد. و چون اینجا معنای غیر دارد پس گزینه ج درست است.



22. نوع منادی و نقش منادی در آیه (قَالَ يَا أَهْلَ الْاٰثِلِ مَا تُؤْمَرُ) چیست؟

الف) مفرد، در جایگاه نصب، مفعول به

ب) شبه مضاف، در جایگاه نصب، مفعول به

ج) مضاف، در جایگاه نصب، مفعول به

د) مندوب، در جایگاه نصب، مفعول به

ابت در اصل بوده اب+ی یعنی یاء متکلم به اب اضافه شده پس منادی مضاف است. در قسمت دوم هم که اختلافی نیست و مفعول است و مجلا منصوب.

23. نقش و غرض جار و مجرور، در آیه (وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ) چیست؟

الف) خبر و جار و مجرور ناقص

ب) خبر از نوع همسانی کلام (مساوات)

ج) خبر و اطناب

د) خبر و اختصار گویی (ایجاز)

می دانیم که غرض بلاغی از کاربرد جار و مجرور اختصار می باشد. و از آنجا که مبتدا جار و مجرور واقع نمی شود پس خبر مقدم است و حیاة مبتدا است.

24. عامل تمیز در (إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا) ، (اشْتَغَلَ الرَّأْسُ شَيْئًا) کدام گزینه است؟

الف) رَأَيْتُ ، اشْتَغَلَ

ب) اسم ذات (أَحَدَ عَشَرَ)، فعل اشْتَغَلَ

ج) فعل رَأَيْتُ ، اسم ذات (الرَّأْسُ)

د) اسم ذات (أَحَدَ عَشَرَ) ، اسم ذات (الرَّأْسُ)

عامل تمیز مفرد همان ذات مبهم و کلمه مبهم است پس عوامل کوکبا احد عشر است اما در قسمت دوم عامل تمیز از اسناد فعل و شبه فعل است که در اینجا فعل ما اشتغل است.

25. اجزاء استثنا در (فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا إِبْلِيسَ) کدام گزینه است؟

الف) فسجد= حکم، الملائكة= مستثنی منه، إِلَّا الفاظ حصر، ابلیس= مستثنی



(ب) فسجد = مستثنی، الملائكة = مستثنی منه، إلاّ الفاظ حصر، ابلیس = حکم

(ج) فسجد = حکم، الملائكة = مستثنی، إلاّ الفاظ حصر، ابلیس = مستثنی منه

(د) فسجد = حکم، الملائكة = فاعل، إلاّ الفاظ حصر، ابلیس = مستثنی منه

ابلیس = مستثنی - الا = لفظ حصر - ملائکه = مستثنی منه - فسجد = حکم

که شناخت نقش این کلمات از روی معنا نیز قابل درک است چون کسی که سجده نکرد (ابلیس) مستثنی است و کسانی که سجده کردند (ملائکه) مستثنی منه است و حکم به چه چیزی داده شده سجده کردن.

26. نقش النَّاسُ در (يا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ) چیست؟

(الف) عطف بیان

(ب) بدل

(ج) توضیح

(د) تاکید

یا = حرف ندا - ای = منادای نکره مقصوده - الناس = عطف بیان از کلمه ای می باشد زیرا متبوع آن به صورت نکره آمده است و مهنای متبوع نکره را بازگو کرده است.

27. کدام گزینه در مثالهای زیر صحیح است؟

1- (مَا غَرَّكَ رَبُّكَ الْكَرِيمِ) 2- (وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ)

(الف) باء در مثال اول اصلی، در مثال دوم باء اصلی، لام جاره اصلی

(ب) باء در مثال اول زائده، در مثال دوم باء اصلی، لام زائده

(ج) باء در مثال اول اصلی، در مثال دوم باء زائده، لام زائده

(د) باء در مثال اول زائده، در مثال دوم باء زائده، لام زائده

حروف جر به سه دسته تقسیم می شود 1- حروف جاره اصلی: که دارای عمل لفظی هستند و معنای خاص دارند و نیازمند متعلقند. که در شماره یک اینگونه است با حرف جر است که رب را مجرور کرده است 2- حروف جاره زائد که تنها عمل لفظی دارند ولی متعلق ندارند مثل بظلام که می بینیم ظلام را مجرور کرده است. پس گزینه ج درست است.

